



موسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی

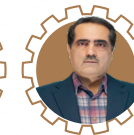
شماره ۱۵
بهار ۱۴۰۳

بازار بازر

بولتن تحلیلی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

بایدها و الزامات جهش تولید با مردم

- چگونگی حمایت از تولید ملی و رشد اقتصادی
- لزوم توجه به سیاست گذاری تولیدی-صنعتی بر پایه بهبود رویکرد تجاری در کشور
- راهکارهای حمایت از تولید و صادرات محصولات ایرانی
- الزامات رونق تولید خودروهای باری در کشور
- سایه بازارهای غیرمولد بر تولید
- الزامات جهش تولید در بخش صنایع منسوجات و پوشاک
- باورهای نادرست درباره مشارکت مردم در جهش تولید





مؤسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی

بولتن تحلیلی بازار نابازار

شماره ۱۵

بهار ۱۴۰۳

شناسنامه نشریه

مدیر مسئول:

احمد تشکینی

سردبیر:

قاسم خرمی

تامین محتوا:

فائزه کیایی

گرافیکست و صفحه آرا:

ساجده ملاعبدالهی

عکاس:

امیرحسین باسغا

موضوع شماره قبل:

هوش مصنوعی



بازار نابازار

تحلیل

نشریه دیجیتال «بازار نابازار» شامل تازه ترین دیدگاه ها و گزارش های تحلیلی پژوهشگران و کارشناسان موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در موضوعات تخصصی و روز کشور است و لزوما دیدگاه رسمی و سازمانی این موسسه به حساب نمی آید.



منصور عسگری

عضو هیات علمی

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

چگونگی حمایت از

تولید ملی و رشد اقتصادی

شوند؟ مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی، مالی، مالیاتی، ارزی و تجاری را می‌توان در نظر گرفت که هر یک می‌توانند به تنهایی نقش حمایت از بخش یا بخش‌هایی از اقتصاد را ایفا کنند. اما در اتخاذ سیاست‌های حمایتی باید به تناسب و سازگاری بین سیاست‌های مختلف توجه جدی مبذول شود. می‌توان حالتی را تصور کرد که دولت با تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی سعی در حمایت از بخش‌هایی از اقتصاد دارد، اما همزمان سیاست‌های پولی تورم‌زا، کل آثار حمایتی را از بین می‌برد و حتی موجب زیان بخش مورد نظر نیز می‌شود. مثال‌های دیگری از تناقض و عدم سازگاری در اتخاذ سیاست‌های کلان را نیز می‌توان در خصوص سایر سیاست‌ها، مثل سیاست‌های ارزی و تعرفه‌ای، مالی و ارزی و ... برشمرد. با این توصیف، تصور این که تنها با استفاده از یک سیاست یا ابزار سیاستی می‌توان از یک بخش حمایت کرد، تصور نادرستی است. در واقع باید مجموعه سیاست‌های کلان به گونه‌ای باشند که ضمن حفظ سازگاری بین آنها، یک محیط حمایتی برای عوامل تولید فراهم شود.

تولید ملی

در شرایط خاص فعلی، حمایت از نیروی کار و سرمایه، با هدف ارتقاء توان تولید ملی، ضرورتی انکار ناپذیر است. اما سوال اینجاست که این حمایت‌ها به چه شکل باید صورت گیرند. در گذشته، هنگامی که از حمایت از عوامل تولید داخلی صحبت به میان می‌آمد نخستین موضوعاتی که به ذهن خطور می‌کرد مباحث مربوط به افزایش حقوق ورودی کالاهای وارداتی، افزایش نرخ ارز و دیگر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های وارداتی بودند. اما در شرایط حاضر به دلیل افزایش شدید قیمت ارز در بازار آزاد و عدم دسترسی بسیاری از واردکنندگان کالاهای لوکس و غیرضروری به ارز دولتی، نیازی به این قبیل حمایت‌ها احساس نمی‌شود. در زمینه حمایت از صادرات غیرنفتی نیز در شرایط حاضر، ضرورتی برای افزایش مشوق‌های صادراتی دیده نمی‌شود، چرا که افزایش قیمت ارز، به تقویت رقابت تولیدات کشور در بازارهای داخلی و خارجی منتهی شده است. بنابراین، هم تولید کالاهای جایگزین واردات و هم تولید کالاهای صادراتی جذابیت بیشتری پیدا کرده است. بدیهی است که به دلیل افزایش هزینه واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز تولیدات داخلی، هزینه این تولیدات نیز متناسب با ارزیابی آنها افزایش خواهد یافت اما هیچ‌گاه به اندازه درصد تغییر در نرخ ارز آزاد نخواهد بود. در این شرایط اگر اجازه دهیم تا قیمت تولیدات داخلی جایگزین واردات به واسطه کاهش رقابت‌پذیری کالاهای وارداتی (یا حتی ممنوعیت واردات آنها به

سال ۱۴۰۳ توسط مقام معظم رهبری به سال «جهش تولید با مشارکت مردم» نام گذاری شده است که در سیاست‌گذاری سطح کلان کشور بعنوان اصلی کلیدی و ضرورتی انکارناپذیر مطرح شده است. ارتباط رژیم ارزی، نرخ واقعی ارز و نوسانات آن، با حمایت از تولید ملی در اقتصاد ایران بعنوان ارتباط دهنده اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از اینرو استراتژی حمایت از تولید ملی با توجه به شرایط فعلی کشور، از جمله راهبردهائی است که برای رسیدن به توسعه پایدار ضروری است. نقش تولید ملی و حمایت از آن، در رشد و توسعه کشور بیان کننده این واقعیت مهم است که رژیم ارزی و روش‌های حمایت از تولید ملی در رشد و توسعه جایگاهی ویژه دارند که برای رسیدن به این اهداف، رژیم ارزی، نرخ ارز و نوسانات آن و ارتباط آن با استراتژی حمایت از تولید ملی دارای نقش بسیار مهمی است و این در حالی است که رژیم ارزی و چگونگی حمایت و صیانت از تولید ملی در مقابل اقتصاد جهانی از موضوعات مهم و محوری خواهد بود. از سوی دیگر، بکارگیری استراتژی‌های صحیح ارزی و اتخاذ راه کارهای منطقی می‌تواند موفقیت سیاست‌های ارزی و فعالیت‌های اقتصادی را تضمین نماید.

نرخ ارز و اثرات آن بر متغیرهای کلان اقتصادی به عنوان یکی از متغیرهای اصلی سیاست‌گذاری در اقتصاد کشورها در حال توسعه شناخته می‌شود، بطوری که می‌توان ادعا کرد سیاست‌های نامناسب نرخ ارز عامل اصلی عملکرد ضعیف بخش تولید است.

نرخ ارز در بازار تحت تأثیر نیروهای عرضه و تقاضای بازار تعیین می‌شود. طرف عرضه در اقتصاد ایران شامل درآمدهای حاصل از صادرات نفت، کالاهای غیر نفتی، سرمایه‌گذاری خارجی و وام‌های خارجی است که در این بین، صادرات نفتی در بخش عرضه ارز بیشترین سهم را داشته است و این در حالی است که قیمت نفت به طور مستقیم تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار دارد. از اینرو، با بروز بحران‌های خارجی، عرضه ارز به طور کامل نوسان خواهد داشت و در طرف تقاضای ارز که شامل واردات، سرمایه‌گذاری در خارج و وام به خارجیان است، سیاست‌ها در این بخش طوری طراحی شود که واردات بیشتر به سمت کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز و مواد اولیه سوق یابد تا از این طریق علاوه بر کمک به تولیدات داخلی تخصیص منابع، بهینه باشد. از طرف دیگر، لازم است دولت با ایجاد امنیت اقتصادی، زمینه سرمایه‌گذاری بیشتر بخش خصوصی را در داخل کشور فراهم کند تا از این طریق از فرار سرمایه‌های داخلی به خارج از کشور جلوگیری شود.

همچنین می‌توان گفت یکی دیگر از شرایط لازم و اصلی در بهبود عملکرد کشورها، ثبات در نرخ ارز حقیقی و تعیین صحیح آن است. از این رو حال سؤالاتی مطرح می‌شود که چه سیاست‌هایی در سطح کلان می‌توانند موجب حمایت و توسعه تولید ملی



صادر شد، در این صورت بهترین شرایط محقق شده است. اما این نگاه به حمایت در دنیای امروز نمی تواند مثمر واقع شود. نتیجه چنین حمایتی این است که به رشد تولیدکنندگان داخلی دائما به تعویق می افتد و در نهایت با کارآفرینانی مواجه خواهیم بود که دائما نیاز به حمایت خواهند داشت.

دیدگاه رقیب این است که حمایت واقعی از تولید باید به گونه ای باشد که رقابت پذیری محصولات تولیدی داخلی افزایش یابد. به بیان دیگر، هدف اصلی از حمایت باید این باشد که بنگاه های داخلی هر چه سریع تر رشد کنند و بازار داخلی برای آنها مانند سکوی پرتابی باشد به سمت بازارهای جهانی. این تنها در شرایطی ممکن خواهد بود که تولیدکنندگان داخلی به سمت رقابت پذیر شدن هدایت شوند و دوران حمایتی را دورانی موقت بدانند. پس می توان گفت که منظور از حمایت از تولید داخلی، فراهم کردن شرایط به گونه ای است که قدرت رقابت پذیری تولیدکنندگان داخلی افزایش یابد و بنگاه های داخلی بتوانند در شرایط برابر با تکیه بر مزیت های طبیعی موجود در اقتصاد ایران، از جمله نیروی متخصص، منابع طبیعی و خلاقیت خاص ایرانی با بنگاه های خارجی رقابت کنند.

در خصوص حمایت از تولید می توان گفت که بهترین بخش ها و فعالیت ها برای حمایت آنها این هستند که در بلندمدت ثروت بیشتری برای کشور خلق می کنند. در واقع، باید از بخش هایی حمایت نمود که در بلندمدت نه تنها هزینه حمایت از خود را (که به شکل افزایش قیمت کالاهای رقیب خارجی و کاهش رفاه مصرف کننده در دوران حمایت گری می نمود می یابد) به جامعه بازپرداخت می کنند، بلکه ارزش افزوده ای که در بلندمدت خلق می کنند بیشتر از سایر بخش ها باشد. در واقع، هدف از حمایت باید خلق مزیت رقابتی در بلندمدت باشد، در غیر این صورت، حمایت تنها سبب اتلاف منابع و کاهش رفاه مصرف کنندگان به سود تولیدکنندگان بخش های تحت حمایت خواهد بود. به بیان دیگر، حمایت باید به گونه ای باشد که بخش حمایت شده این ظرفیت را داشته باشد که در بلندمدت بدهی خود را به کل اقتصاد بازپرداخت نماید.

خلاصه و جمع بندی

سیاست های حمایتی از تولید ملی و دستیابی به رشد اقتصادی را با توجه به توسعه دانش داخلی می توان به صورت زیر خلاصه نمود: رخداد تغییرات اساسی و سریع در دانش و فناوری های تولید که سبب ایجاد تغییرات گسترده در سطوح مختلف صنعتی و تجاری شده اند و تأثیرات فراوانی بر مدیریت تولید، مدیریت زنجیره تامین و ارتباطات و نیز دسترسی به بازارهای جهانی ایجاد می کنند. گسترش دانش و فناوری های جدید توأم با توسعه خلاقیت و نوآوری مستمر، زمینه توسعه انواع محصولات و خدمات جدید را برای بازار های داخلی و خارجی فراهم می سازد. ضمن اینکه توسعه خلاقیت و نوآوری مستمر در امر تولید ضامن دوام و بقای کسب و کارها خواهد بود.

توسعه و پیشرفت زنجیره های ارزش یکپارچه جهانی، با توسعه کسب و کار های شبکه ای و گسترش زنجیره های تامین، تولید و توزیع در سراسر جهان ضرورت حمایت از تولید ملی را با عنایت به این تحول جهانی دوچندان می سازد.

همچنین می توان با توجه به اهداف، شرایط اقتصادی و امکانات و ظرفیت های موجود، به نحوی پایدار اقدام به حمایت از تولید ملی در ساختار اقتصادی کشور نمود. بدیهی است حمایت از تولید چنانچه هوشمندانه و با آینده نگری صورت گیرد می تواند تأثیرات گوناگونی بر سایر ابعاد و شاخص های توسعه یافتگی مانند افزایش رفاه در سطح کشور و بهبود استانداردهای زندگی، کاهش نرخ تورم، توسعه صادرات افزایش رقابت پذیری برای کشورمان فراهم سازد.

دلیل تحریم به گونه ای بی رویه و بسیار فراتر از افزایش هزینه تولید آنها، بالا برده شود این امر به تشدید تورم و متعاقب آن، افزایش نرخ دستمزد و تسهیلات بانکی منجر خواهد شد و حاشیه رقابت پذیری تولیدات داخلی را کاهش خواهد داد و سیاست جایگزینی واردات را با شکست سریع تری روبه رو خواهد ساخت. بنابراین جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت ها، چه برای توسعه صادرات و چه برای جایگزینی واردات در بخش های استراتژیک و مهم، ضرورتی انکارناپذیر است که گذشته از انضباط مالی و پولی، مستلزم نظارت و مدیریت دقیق بر روند تغییر قیمت های شاخص در اقتصاد است. بحث کاهش نرخ حقوق ورودی کالاهای وارداتی نیز در همین راستا و به منظور حفظ شرایط رقابتی قابل توصیه خواهد بود.

همزمان، دولت می تواند با کاهش هزینه و ریسک فعالیت های اقتصادی در کشور، حمایت بیشتری از نیروی کار و سرمایه داخلی به عمل آورد. حمایت از کارآفرینان، کمک به تجاری سازی یافته های پژوهشی، شایسته سالاری در دستگاه های اجرایی، اتخاذ اقدامات مناسب در جهت جلوگیری از فرار مغزها و ایجاد انعطاف لازم در بازار کار به گونه ای که هم منافع شاغلان فعلی و هم منافع جویندگان کار تامین گردد، از جمله اقدامات مورد نیاز در جهت حمایت از نیروی کار داخلی است. در بحث حمایت از سرمایه داخلی نیز دولت می تواند با اتخاذ اقداماتی در جهت کاهش بوروکراسی اداری، پیش آگهی در خصوص روند تحول در سیاست های اقتصادی، عدم اصرار بر قیمت گذاری مصنوعی، حصول اطمینان از تخصیص صحیح تسهیلات بانکی و منابع ارزی به طرح های تولیدی و حفظ ثبات در محیط اقتصاد کلان، زمینه تخصیص صحیح منابع سرمایه ای کشور را فراهم سازد. تولیدکنندگان با تولید کالای مرغوب و مصرف کنندگان داخلی با استقبال از این کالاهای، نقشی اساسی در حمایت از عوامل و تولیدات داخلی خواهند داشت.

چگونگی جهش تولید ملی

نامگذاری سال ۱۴۰۳ به عنوان «جهش تولید با مشارکت مردم»، نشانگر اهمیت یافتن مباحث اقتصادی و لزوم توجه به اقتصاد ملی در شرایط حاضر دارد. در واقع این نامگذاری واجد دو وجه اقتصادی و وجه ملی است. وجه اقتصادی آن ناظر بر لزوم توجه به مباحث اقتصادی، اعم از نیروی کار و سرمایه به عنوان دو عامل اصلی تولید در هر نظام اقتصادی است. وجه ملی آن ناظر بر حمایت از عناصر اقتصاد ملی و ایرانی است که برای رشد و پویایی یک ملت در بلندمدت شرط لازم است. در نگاه سنتی به حمایت از تولید، اعتقاد بر این است که باید شرایط را به گونه ای فراهم کنیم که تولیدکننده ایرانی از بابت بازار فروش محصولات خود در داخل کشور خیالی آسوده داشته باشد و اگر محصولی هم به بازار جهانی

دولت

می تواند با کاهش

هزینه و ریسک فعالیت های

اقتصادی در کشور، حمایت بیشتری از

نیروی کار و سرمایه داخلی به عمل آورد. حمایت

از کارآفرینان، کمک به تجاری سازی یافته های

پژوهشی، شایسته سالاری در دستگاه های اجرایی،

اتخاذ اقدامات مناسب در جهت جلوگیری از فرار

مغزها و ایجاد انعطاف لازم در بازار کار به گونه ای

که هم منافع شاغلان فعلی و هم منافع

جویندگان کار تامین گردد، از جمله اقدامات

مورد نیاز در جهت حمایت از نیروی کار

داخلی است.



محمد رضا عابدین مقانکی

عضو هیات علمی

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

لزوم توجه به سیاست‌گذاری تولیدی-صنعتی بر پایه بهبود رویکرد تجاری در کشور

می‌انجامد. به عبارت دیگر هرگونه کمک به گسترش تجارت خارجی ایران در نهایت منجر به بهبود در شرایط بازار کار و تولید کشور می‌گردد. به‌ویژه در صورتیکه این افزایش تجارت از طریق بکارگیری ظرفیت‌های بلااستفاده صادراتی کشور به بازارهای هدف مناسب باشد، مطمئناً نتایج مناسب‌تری در متغیرهای کلان و مهم اقتصادی کشور را دربر خواهد داشت.

بنابراین با توجه به تأثیر مثبت به‌کارگیری ظرفیت بلااستفاده صادراتی و نیز افزایش واردات بر متغیرهای اصلی اقتصاد کلان کشور، می‌توان به مقامات تصمیم‌گیر در امور اعطای حمایت‌های تجاری، اطمینان داد که با طراحی سیاست‌ها و استراتژی‌های مناسب جهت توسعه صادرات به‌ویژه در بخش‌های دارای ظرفیت بلااستفاده صادراتی بالاتر، امکان نیل به رشد و اشتغال در کشور وجود خواهد داشت.

در واقع سیاست‌گذاران اقتصادی کشور می‌توانند از صادرات به عنوان ابزاری برای تقویت اشتغال و در پی آن رشد فراگیر و پایدار کشور کمک بگیرند. یعنی سیاست‌گذاران باید اقدامات راهبردی و در صورت لزوم حمایتی متناسب با صنایع را در پیش گیرند. حرکت به سمت آزادسازی تجارت خارجی باعث افزایش اشتغال صنعتی نیز خواهد شد. بنابراین لازم است با رفع نگرانی‌های ذهنی در زمینه تأثیر منفی توسعه تجارت خارجی بر اشتغال، زمینه‌های لازم برای بهبود تجارت خارجی و حرکت به سوی آزادسازی تجاری را فراهم نمایند.

دولت باید در خصوص اقدامات راهبردی صحیح تدبیر مناسبی اندیشیده و از اعمال محدودیت‌های جدید خودداری ورزد؛ اقداماتش را در طی برنامه زمان‌بندی شده و از پیش اعلام شده برای عموم، صورت دهد.

به‌منظور تغییر جهت فعلی تجارت خارجی و به‌ویژه صادرات کشور که در حال کاهش است، لازم است دولت زمینه‌های لازم برای تسهیل تجارت و به‌ویژه صادرات را به‌طور کامل فراهم نموده و اقداماتی برای بهبود جایگاه ایران در روابط بین‌الملل و بهبود برند ملی ایران در سطح جهانی را به ثمر برساند.

نرخ رشد اقتصادی پایین و حتی منفی ایران در کنار نرخ‌های تورم بالا و حتی دورقمی در سالهای پس از پیروزی انقلاب و به‌ویژه از دهه ۸۰ شمسی بدین سو، معضلی است که علاوه بر ایجاد انواع مشکلات اقتصادی برای خانوارهای ایرانی، در عین حال باعث به‌وجود آمدن مشکلات اجتماعی و حقوقی متعددی نیز شده است. از مهمترین چالش‌های پیش رو جهت حل چنین مشکلاتی، اندک و نیز کاهشی بودن تقاضای داخلی کشور است. سوء مدیریت‌های داخلی، فسادهای مالی و مواجهه با تحریم‌های گسترده اقتصادی علیه کشور طی این سالها، متوسط قدرت خرید مصرف‌کنندگان داخلی کشور را با روند کاهنده‌ای مواجه کرده است.

در سمتی دیگر نیز ناچیز بودن اقبال بین‌المللی نسبت به خرید کالای ایرانی، تقاضای جهانی تولیدات کشور را بی‌رمق نموده است. عدم اهتمام حکمرانی نسبت به تعیین تکلیف صحیح روابط بین‌الملل کشور، انزوای تدریجی ایران در سطح جهانی و گسترش روزافزون دامنه تحریم علیه کشور از عوامل کاهش نسبی سهم ایران در بازار جهانی کالا و خدمات به حساب می‌آیند.

با توجه بدانکه بهبود روابط بین‌الملل ایران با کشورهای اثرگذار در معادلات بین‌المللی می‌تواند به بهبود روند صادرات کالا و خدمات ایران کمک نموده و موجبات بهبود وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی همچون تولید و اشتغال کشور را فراهم سازد. اما همانطور که بیان شد، عدم اقدام صحیح در این خصوص طی دهه‌های متوالی باعث شده تا صادرات بالفعل و تحقق‌پذیر ایران به ظرفیت‌هایی بلااستفاده تبدیل شود.

بنابراین عدم به‌کارگیری پتانسیل‌های صادراتی کشور منجر به گسترش رکود و افزایش بیکاری به‌ویژه در میان اقشار تحصیل‌کرده کشور شده است. این اقشار که ورود آنها به بازار کار برای سالهای متمادی از طریق تشویق به مدرک‌گرایی به تعویق افتاده، دیگر امکان دورماندن از این بازار را ندارند، اما در عین حال بسترهای لازم برای ورود مناسب ایشان به بازار کار با سطح مناسب فناوری نیز فراهم نشده است. درواقع سیاست‌گذاری پایدار با هدف نیل به اشتغال کامل و به تبع آن رشد اقتصادی کشور از جمله در بخش صنعت با چالش‌هایی جدی‌تر از گذشته روبرو شده است.

براساس نتایج مطالعات آماری در این خصوص می‌توان ادعا نمود که استفاده از ظرفیت‌های استفاده‌نشده صادراتی منفذ مناسبی برای بهبود شرایط بازار کار و تولید کشور می‌باشد. این بهبود حتی در صورت افزایش واردات کشور نیز قابل تحقق است. با توجه به مونتاژی بودن اغلب کالاهای تولیدی کشور، افزایش واردات نه تنها موجبات نگرانی از کاهش اشتغال داخلی را ایجاد نخواهد نمود، بلکه به بهبود شرایط بازار کار و تولید کشور

هرگونه کمک به گسترش تجارت خارجی ایران در نهایت منجر به بهبود در شرایط بازار کار و تولید کشور می‌گردد. به‌ویژه در صورتیکه این افزایش تجارت از طریق بکارگیری ظرفیت‌های بلااستفاده صادراتی کشور به بازارهای هدف مناسب باشد، مطمئناً نتایج مناسب‌تری در متغیرهای کلان و مهم اقتصادی کشور را دربر خواهد داشت.



داود چراغی

عضو هیات علمی

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

راهکارهای حمایت از تولید و صادرات محصولات ایرانی

حال توسعه از یک طرف قوانین و مقررات ضد دامپینگ در مراحل ابتدای شکل‌گیری است و از سوی دیگر حجم گسترده‌ای از کالاهای وارداتی به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند. در نتیجه اگرچه عرضه محصولات وارداتی در شرایط دامپینگ در بازارهای داخلی عرضه می‌شوند، اما مقابله با دامپینگ کالاهای وارداتی به صورت قاچاق بسیار سخت و دشوار است.

بدین ترتیب باید توجه داشت که کشورها از تمام قدرت و توان خود برای حضور هر چه بیشتر در بازارهای جهانی استفاده می‌نمایند و برای این منظور دولت‌مردان در جهت افزایش منافع ملت و کشور، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری گسترده‌ای را پیگیری می‌کنند. به وضعیت قیمت کالاهای در بازارهای جهانی و همچنین وضعیت تولید و عرضه کالاهای در ایران به خصوص با توجه به متوسط نرخ تورم در کشور و در مقابل نرخ‌های تورم منفی در بیشتر کشورهای، ضرورت هوشیاری برای ممانعت از هجوم بسیاری از کالاهای به بازار داخلی را گوشزد می‌کند. براین اساس لازم است تا دولت مانند سایر کشورها به صورت پویا از تولید کالاهای داخلی در مقابل موج واردات ارزان قیمت که هر اقدامی را برای نفوذ در بازار کشورهای دیگر انجام می‌دهند، حمایت کند.

البته افزایش نرخ ارز اگرچه تا حدی به نفع تولید و صادرات بیشتر محصولات به کشور شده اما در زمینه صادرات محصولات ایرانی به بازارهای جهانی چند مشکل اساسی وجود دارد. چراکه حضور در بازار جهانی نیازمند رعایت قوانین و مقررات مخصوص به خود به خصوص توجه استانداردهای کمی و کیفی مرتبط با بهداشت، سلامت و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان دارد. در این زمینه متأسفانه بیشتر استانداردهای الزامی عرضه کالا و خدمات در بازار جهانی، در بازار داخلی ایران رعایت نمی‌شود. در نتیجه تولیدکنندگان ایرانی که با این استانداردها آشنا نمی‌باشند، در بازارهای جهانی موفقیت چندانی ندارند.

این موضوع در چندین سال گذشته با فرصت‌های بوجود آمده در عرضه محصولات ایرانی به بازارهای همچون بازار آسیای میانه، بازار افغانستان، بازار عراق و بازار قطر، بخوبی مشخص شد. بدین

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جهت رشد و توسعه تولید انواع کالاهای و خدمات در داخل هر کشوری و به تبع آن افزایش ایجاد درآمد و اشتغال نیروی کار از جمله وظایف ذاتی دولت‌ها محسوب می‌شود. در شرایط مطلوب، دولت‌ها برای رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای افزایش سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای و خدمات مورد نیاز جامعه و حتی محصولات مورد نیاز سایر کشورها در اولویت اول برای افزایش درآمد ملی و در اولویت بعدی برای توزیع عادلانه ثروت و درآمد کشور بین عموم مردم جامعه اقدام می‌نمایند. در این بین، محدودیت‌های مختلف کشورها، نظیر منابع محدود مواد اولیه، کمبود تقاضای داخلی برای کالاهای و خدمات تولید شده و همچنین عرضه کمتر از نیاز داخلی برخی محصولات با توجه به نیاز جامعه، موجب شده که برای تامین مازاد تقاضا و فروش مازاد عرضه محصولات، به سمت تجارت با سایر کشورها روی آورند.

بررسی روند رشد و توسعه تجارت جهانی نشان می‌دهد، کشورهای توسعه‌یافته با استفاده از توان و امکانات گسترده‌ای که دارند به خصوص استفاده از دانش و تخصص‌شان برای بکارگیری ابزارها و روش‌های نوین (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری)، برای افزایش درآمد و ثروت کشورشان بدنبال سهم بیشتر از بازارهای جهانی می‌باشند. آنچه مسلم است امروزه بازارهای جهانی، محلی برای نشان دادن قدرت و توان کشورهاست، آنها برای حضور قوی‌تر در بازار جهانی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری گسترده‌ای را پیگیری داشته و دارند. حتی این کشورهای برای موفقیت بیشتر، به سمت اقداماتی نظیر تجارت آزاد و موفقیت‌نامه دوراگونه و تشکیل سازمان تجارت پرداختند، که در بیشتر دوره‌ها منافع این کشورها را تامین می‌نماید، اما هر زمان با مشکل و ضرر در تولید و تجارت روبرو می‌شوند، براحتمال به آن توجه نمی‌نمایند.

نمونه چنین اقداماتی را می‌توان در تغییر سیاست‌گذاری آمریکا در سالهای اخیر در خروج از موفقیت‌نامه پاریس یا افزایش نرخ تعرفه واردات برای کشورهای رقیب و مواردی این چنین اشاره داشت. این کشورهای هر زمانی که اقتصاد کشورشان با تهدید از بازار جهانی و تجارت آزاد روبرو می‌شود، به سمت اتخاذ اقداماتی که کارشناسان و مدیران متخصص و خبره پیشنهاد می‌دهند همچون قراردادن سهمیه مقداری، یا افزایش تعرفه واردات، جلوگیری از انتقال کارخانجات به کشورهای در حال توسعه، پرداخت یارانه‌ها و... روی می‌آورند.

حتی برخی کشورهای توسعه یافته برای حضور در بازارهای کشورهای دیگر، اقدام به عرضه کالاهای صادراتی، به قیمت پایین‌تر از قیمت تولیدکننده در کشور مقصد می‌نمایند. این فعالیت که تحت عنوان «دامپینگ» شناخته می‌شود تجارت متقلبانه‌ای است که در بیشتر کشورها ممنوع است و اگر ثابت شود که کالای صادرشده برای خارج کردن سایر رقبا تحت شرایط دامپینگ عرضه شده، جرایم سنگینی دارد. اما متأسفانه در کشورهای در

برای بهبود اقتصاد کشور ضرورت دارد دولت بصورت پویا اقدام به اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت حمایت بیشتر از تولید کالاهای و خدمات البته همراه با حمایت از مصرف‌کنندگان همچون بسیاری از کشورهای را پیگیری نماید. به ویژه مقابله با واردات گسترده کالاهای بی‌کیفیت و بنجل که به صورت قانونی و قاچاق بازارهای ایران را هدف قرار داده‌اند.

ترتیب موفقیت صادرات کالاهای ایرانی تنها در کشورهای که استانداردهای بالایی در تجارت جهانی ندارند، میسر بوده است. بطوریکه در کشورهای که استانداردهای مترقی همچون کشورهای توسعه یافته دارند، بعد از مدتی بیشتر محصولات به کشور بازگردانده می شوند و از این محل ضرر و زیان به تولید و صادرات کشور وارد شده است.

قابل ذکر است در بیشتر سال ها، کالاها در بازار جهانی روندی به سمت ارزان شدن دارد اما در ایران به تبع نرخ تورم دو رقمی، تولید این محصولات گرانتر شده، چرا که رشد ریالی نرخ ارز کشورهای دیگر در ایران به تبع اقدامات دولت در بیشتر سال ها، خیلی کمتر از رشد تورم قیمت محصولات صادراتی ایران بوده، در نتیجه به مرور قیمت دلاری محصولات صادراتی از ایران به ضرر صادرکننده (به تبع آن تولیدکنندگان) و به نفع واردات و واردکنندگان شده است. این موضوع یکی از مهم ترین مشکلات شکل گیری تولید و صادرات محصولات ایران است، می تواند با تداوم این وضعیت روز بروز تهدید بیشتری برای تولید کالاها و خدمات ایران باشد.

با این وضعیت، برای بهبود اقتصاد کشور ضرورت دارد دولت بصورت پویا اقدام به اتخاذ سیاست های مناسب در جهت حمایت بیشتر از تولید کالاها و خدمات البته همراه با حمایت از مصرف کنندگان همچون بسیاری از کشورها را پیگیری نماید. به ویژه مقابله با واردات گسترده کالاهای بی کیفیت و بنجل که به صورت قانونی و قاچاق بازارهای ایران را هدف قرار داده اند. کالاهایی که برای نفوذ به بازار ایران با بهره گیری از روش ها و شیوه های مختلفی همچون عرضه کالاهای زیر قیمت تمام شده و حتی مذاکره با تولیدکنندگان ایرانی برای ارائه کالاهای تولیدی آنها با توجه به استانداردهای مرسوم برند ایرانی و مهم تر از همه حتی الصاق علامت استاندارد ایران بر این کالاها را شامل می شود. با این شرایط باید همانند برخی دیگر از کشورها، دولت اقدام به اتخاذ روش های مقابله با اینگونه اقدامات کند، چرا که هر چه این امر دیرتر انجام شود ضربات بیشتری بر اقتصاد بیمار ایران وارد خواهد شد.

در کل دولت با انجام اقدامات مناسب به خصوص با مطالعه و برنامه ریزی، زمینه اتخاذ سیاست مطلوب را برای تبدیل شرایط فعلی که بازارهای کشور محلی برای جولان محصولات وارداتی (قانونی و قاچاق) است به سمت حمایت بیشتر و اصولی از افزایش تولید و به تبع آن صادرات محصولات ایرانی، فراهم نماید. این امر با اتخاذ سیاست مناسب؛

۱. در رشد نقدینگی و کاهش تورم،
 ۲. اصلاح نظام بانکی،
 ۳. اصلاح رویه شروع کسب و کارهای کوچک و بزرگ،
 ۴. افزایش نرخ خرید تضمینی کالاهای اساسی،
 ۵. عقلایی نمودن نرخ تعرفه،
 ۶. تک نرخی شدن نرخ ارز،
 ۷. اصلاح نظام بازرگانی داخلی به خصوص لحاظ استانداردهای اجباری بازار جهانی در عرضه محصولات در بازار داخلی،
 ۸. حمایت از سرمایه گذاری خارجی در تولید کالاها و خدمات در کشور از طرق مختلف به خصوص کمک فنی، اطلاعاتی، بازاریابی و ...، همچون بانک های تخصصی،
 ۹. اصلاح وضعیت کنترل، نظارت و بازرسی مطلوب بر زنجیره تامین و عرضه،
- در حال باید توجه داشت که اهداف و جهت گیری های کلان اقتصادی کشور برای حمایت از تولید ملی، اصلاح سیاست های تنظیم بازار کالاها و خدمات در جهت اولویت یافتن تامین محصولات از محل تولیدات کشور و همراه با حمایت از افزایش تولید این محصولات در کشور، از جمله راهکارهای تحقق این اهداف متعالی است که در نهایت موجب افزایش اشتغال نیروی کار کشور می گردد.

در
بیشتر کشورها،
ضرورت هوشیاری برای
ممانعت از هجوم بسیاری از کالاها
را به بازار داخلی را گوشزد می کند. براین
اساس لازم است تا دولت مانند سایر
کشورها به صورت پویا از تولید کالاهای
داخلی در مقابل موج واردات ارزان قیمت
که هر اقدامی را برای نفوذ در بازار
کشورهای دیگر انجام می دهند،
حمایت کند.





زهرا آقا جانی

عضو هیات علمی

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

الزامات رونق تولید خودروهای باری در کشور

که به خوبی اهمیت این بخش را نشان می‌دهد. علاوه بر این، بررسی پیوندهای پسین و پیشین صنعت تولید خودرو با سایر بخش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که این بخش می‌تواند به عنوان محرک رشد در حلقه‌های قبل (تولید قطعات، لوازم یدکی و مصرفی، فعالیت‌های فنی و مهندسی و غیره) و حلقه‌های بعد (فروش، تعمیرات و نگهداری و ...) عمل کند.

چالش‌های صنعت خودرو باری

علیرغم نقش صنعت تولید خودروهای باری در تقویت لجستیک و حمل‌ونقل کشور با چالش‌های عدیده‌ای در هر دو سمت عرضه و تقاضا روبرو است.

در سمت عرضه، یکی از مهمترین چالش‌ها، وابستگی بالای تولید خودرو از جمله نوع باری به نهاده‌های تولید به صورت مستقیم (اعم از مواد اولیه، قطعات، مجموعه‌ها و ...) و به انواع تجهیزات، ماشین‌آلات و فناوری‌های تولید به صورت غیرمستقیم است. به عنوان مثال، تولید خودروی باری در کشور وابسته به اقلام وارداتی نظیر موتور، گیربکس و محور است.

در واقع این صنعت با بیش از ۲۳ درصد وابستگی به نهاده‌های تولید وارداتی، بعد از صنعت تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی (با حدود ۳۹ درصد وابستگی به این نهاده‌ها) در جایگاه دوم وابستگی به نهاده‌های وارداتی قرار گرفته است. علاوه بر این می‌توان به مشکلات ناشی از تحریم‌ها و کاستی‌های ناظر بر آن با توجه به وابستگی بالای این صنعت به واردات نهاده‌های تولید اشاره کرد.

یکی دیگر از چالش‌های تولید خودروهای باری، عدم صرفه اقتصادی مقیاس تولید در این صنعت است. در واقع علیرغم آنکه بالغ بر ۲۰ تولیدکننده در این حوزه فعال هستند، تیراژ تولید هیچ یک از آنها دارای صرفه ناشی از مقیاس نیست. گفته می‌شود حتی اگر تولیدکنندگان فعال با هم تجمیع شوند باز هم صرفه لازم در تولید این خودروها ایجاد نخواهد شد. همه اینها در حالی است که تا پیش از بازگشت تحریم‌ها، شرکای بین‌المللی صنعت خودروهای باری از جمله اسکانیا، دایمر و ولوو ایده‌هایی مبنی بر گسترش همکاری با خودروسازان داخلی داشتند که به دلیل تحریم ناچار به ترک کشور شدند. در عین حال از سال‌های قبل از دهه ۱۳۴۰ نیز بازیگران به نسبت قدرتمندی در عرصه مونتاژ تولید و تعمیرات و نگهداری خودروهای باری در ایران فعال بوده و به مرور زمان برخی از آنها توسعه پیدا کرده‌اند. اما هنوز بازیگرانی که بتوانند با تیراژ بالا در

ناوگان جاده‌ای با سهم بیش از ۹۰ درصدی از جابجایی بار زمینی، نقش ویژه‌ای را در حمل‌ونقل کالا ایفا می‌کند. بر اساس آمارهای سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، در سال ۱۴۰۱ تعداد ناوگان باری جاده‌ای کشور (اعم از انواع کامیون و کامیونت بالای ۴ تن) به حدود ۴۱۱ هزار دستگاه رسید که نشان از وجود ظرفیت‌های قابل توجه در این بخش دارد. با توجه به گستردگی حمل‌ونقل جاده‌ای بار در کشور، صنعت تولید خودروهای باری از اهمیت خاصی به لحاظ جایگاه آن در تامین نیاز کشور به این نوع ناوگان برخوردار است.

مطابق آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت، در ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۲ میزان تولید خودروهای باری در مدل‌های سبک (شامل وانت) به ۱۵۲ هزار دستگاه و مدل‌های سنگین و نیمه سنگین (شامل کامیون، کامیونت و کشنده) به ۳۴ هزار دستگاه رسید که نسبت به مدت مشابه آن در سال قبل روندی افزایشی داشته است؛ بطوری که می‌توان گفت میزان رشد این تولیدات نسبت به دوره مشابه در سال ۱۴۰۱ برای مدل‌های سبک معادل ۳۴ درصد و مدل‌های سنگین و نیمه سنگین ۱۰ درصد بوده است.

باید توجه داشت که در مجموع سهم انواع خودروهای سنگین و نیمه سنگین در جابجایی بار بین‌شهری کشور بسیار بالاتر بوده و به حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد می‌رسد. اما خودروهای سبک نیز در حمل بارهای داخل شهری نقش مهمی ایفا می‌کنند. در تائید موضوع فوق باید گفت بررسی روند جهانی تولید خودروهای تجاری نشان می‌دهد تقاضا برای این وسایل نقلیه در کشورهایی مانند چین و هند به دلیل رونق صنعت لجستیک و به خصوص تجارت الکترونیک و در نتیجه آن حمل‌ونقل درون شهری در حال افزایش است. بر اساس آمارهای جهانی در سال ۲۰۲۳ حدود ۱۹،۵۶ میلیون دستگاه خودروی تجاری سبک (خودروهای زیر ۳،۵ تن) در جهان تولید شده که با توجه به کاهش رشد اقتصاد جهانی طی سال‌های اخیر، پیش‌بینی نمی‌شود در سال‌های آتی با رشد چندان چشم‌گیری مواجه باشد (حدود ۲،۱ درصد رشد تولید تا سال ۲۰۲۹).

مطالعه جایگاه صنعت حمل‌ونقل در اقتصاد کشور، اهمیت این بخش را بیش از پیش نمایان می‌کند. بررسی وضعیت بخش خدمات حمل‌ونقل (اعم از بار و مسافر) و انبارداری نشانگر این است که سهم آن از تولید ناخالص داخلی کشور طی سال‌های اخیر به حدود ۸،۵ درصد می‌رسد. این در حالی است که گفته می‌شود در سطح جهانی بسته به سطح توسعه یافتگی کشورها، سهم این بخش بسیار بیشتر از ارقام مذکور است. در ضمن در ایران با توجه به گستردگی مساحت کشور، سهم بخش جاده‌ای از ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل بیش از ۸۰ درصد است

تصریح شود تا بدین ترتیب به تدریج حرکت از تولید قطعه و لوازم یدکی و خط تولید مشترک به سمت دستیابی به فناوری تولید خودروی باری در کشور میسر گردد. شایان ذکر است که در این ارتباط می‌توان به تجربه به نسبت موفق پلتفرم مشترک خودروسازان ایرانی با خودروساز فرانسوی (که با بازگشت تحریم‌ها از کشور خارج شد) در زمینه تولید خودروی سواری اشاره نمود.

الزام دوم) افزایش تقاضا برای تولید خودروهای داخلی بواسطه نوسازی ناوگان باری فرسوده: با استمرار جدی مبحث نوسازی می‌توان به صرفه‌های ناشی از مقیاس در حوزه خودروی باری نیز نزدیک شد و مابقی نیاز کشور در این حوزه را از محل منابع دیگر (مثلا واردات در برهه کنونی) تامین کرد.

الزام سوم) هوشمندسازی در صنعت خودروهای باری: رشد روز افزون فناوری و مخصوصا تحولات انقلاب صنعتی چهارم و به همراه آن مطرح شدن بحث اقتصاد دیجیتال، ضرورت هوشمندسازی و پذیرش این تحولات در همه بخش‌های اقتصادی از جمله بخش حمل و نقل بار را آشکار می‌کند. با توجه به اینکه این بخش در ایران با چالش بهره‌وری پایینی و عدم تناسب در درآمد و هزینه ناوگان از یک طرف و عدم صرفه اقتصادی تولید خودروی باری در داخل از طرف دیگر مواجه است، استفاده بهینه از فناوری‌های نوین در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

الزام چهارم) اتخاذ رویکرد آینده‌نگرانه برای استفاده و تولید خودروی برقی باری: با گذر زمان رقابت بین برندهای مختلف برای تولید خودروهای باری برقی (از جمله کامیون) شکل گرفته است. شرکت‌های مطرحی همچون ولوو، تسلا، اسکانیا و مرسدس بنز از جمله این پیشگامان در جهان هستند. در ایران نیز طی سال‌های اخیر برخی خودروسازان داخلی در حوزه خودروهای برقی باری به صورت آزمایشی به این موضوع ورود کرده‌اند. به عنوان مثال با همکاری شریک چینی، کامیونت‌های برقی (نظیر فوتون، دافران و غیره) به شکل محدود در ایران تولید شده‌اند. البته به نظر می‌رسد برقی کردن ناوگان باری به دلیل ماهیت و پیچیدگی‌های خاص این نوع خودروها، در رتبه‌های بعد از برقی‌سازی خودروهای مسافری در جهان و ایران قرار خواهد داشت. در هر حال پیش‌بینی‌های اخیر شرکت کی.پی.ام.جی نشان می‌دهد که خودروهای باری برقی با باتری، تا سال ۲۰۳۰ احتمالاً خواهند توانست از ۱۵ تا ۳۴ درصد فروش بازار خودروهای باری را به خود اختصاص دهند.

الزام پنجم) استفاده از طرح‌های خلاقانه و مبتکرانه ترکیبی در حمل و نقل بار: بطور نمونه در یک طرح خلاقانه یک استارت‌آپ آمریکایی طرح ادغام کامیون دیزلی و برقی را در راستای کاهش سوخت مصرفی کشنده‌ها اجرا کرد. در این طرح یک مازول قابل تعویض با باتری ۵۲۵ کیلو

وات ساعتی و یک موتور برقی، به پشت کشنده‌های دیزلی متصل می‌شود که منجر به کاهش هزینه سوخت ناوگان (بین ۵ تا ۱۰ درصد) می‌شود.

این حوزه فعالیت کنند، کمتر دیده می‌شوند. از سوی دیگر در سمت تقاضا، به دلیل ساختار اقتصادی حاکم بر بخش حمل و نقل جاده‌ای و هزینه‌های بالای تامین ناوگان، مالکان خودروهای باری از انگیزه و توان مالی لازم برای نوسازی ناوگان خود برخوردار نیستند. مشکلات موجود در تامین و نوسازی ناوگان باری کشور موجب شده است این بخش با چالش فرسودگی ناوگان مواجه باشد. به طوری که متوسط عمر کامیون‌های عمومی کشور طی سال‌های اخیر با روند افزایشی مستمر روبرو بوده و از ۱۷،۴ در سال ۱۳۹۲ به ۱۹،۸۴ در سال ۱۴۰۱ رسیده است. به طور کلی عمر متوسط ناوگان باری جاده‌ای ایران فاصله زیادی با استانداردهای جهانی دارد. به عنوان مثال در سال ۲۰۲۲ متوسط عمر ناوگان جاده‌ای در اتحادیه اروپا معادل ۱۳،۹ سال و در ایالات متحده برابر ۱۲،۳ سال بوده که تفاوت معناداری را با مقدار این شاخص در ایران نشان می‌دهد.

از دیگر مشکلات موجود در بخش حمل و نقل جاده‌ای می‌توان به سهم بالای خودمالکی ناوگان (۸۰،۵ درصد ناوگان متعلق به راننده و تنها ۴،۴ درصد در مالکیت شرکت‌های حمل و نقل) و پیامدهای آن همچون ضعف در سازماندهی حمل بار در سطح کشور به دلیل تعدد رانندگان و ناوگان، عدم تمایل رانندگان به فعالیت در شرایط و فصول خاص (و حتی برخی مسیرها) و پایین بودن بهره‌وری ناوگان یا همان خسارات ناشی از یکسری بار بودن مسیرها (به دلایلی نظیر وجود مازاد یا کمبود برخی از انواع ناوگان در مقایسه با میزان تقاضای بار) اشاره نمود. البته در این رابطه باید مسائل دیگری نظیر تعیین سقف سوخت‌گیری برای جلوگیری از سهمیه‌فروشی گازوئیل و شکل‌گیری صفوف طولانی در جایگاه‌های عرضه سوخت در برخی مناطق، دشواری‌های ناظر بر محاسبه پیمایش سالانه کامیون‌ها جهت تخصیص سوخت به آنها، طولانی بودن فرایند بارگیری و تخلیه و فقدان قراردادهای محکم برای پیگیری حقوقی تاخیر در این فرایند (و در نتیجه افزایش معطلی ناوگان) نیز مورد توجه قرار گیرد.



مولفه‌های رونق تولید در خودروهای

باری

با توصیفات فوق باید گفت که رونق تولید خودروهای باری در کشور الزاماتی دارد که در ادامه به برخی از مهمترین آنها پرداخته خواهد شد.

الزام اول) ایجاد صرفه‌های اقتصادی ناشی از مقیاس در تولید خودروهای باری و حرکت به سمت تعمیق تولید داخلی: صاحب‌نظران پیشنهاد کرده‌اند بحث شکل‌گیری کنسرسیوم توسط تولیدکنندگان داخلی خودروهای باری ایرانی با مشارکت یک طرف خارجی توانمند (ترجیحا با کشورهای دوست) مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه، گام نخست واردات پلتفرم مربوطه و گام بعدی نیز طراحی و اجرای مشترک آن در داخل کشور خواهد بود. در این رابطه به منظور اطمینان از نفوذ فناوری و تعمیق ساخت داخل، لازم است بحث انتقال دانش فنی در قرارداد حقوقی

بررسی وضعیت بخش خدمات حمل و نقل (اعم از بار و مسافر) و انبارداری نشانگر این است که سهم آن از تولید ناخالص داخلی کشور طی سال‌های اخیر به حدود ۸،۵ درصد می‌رسد. این در حالی است که گفته می‌شود در سطح جهانی بسته به سطح توسعه یافتگی کشورها، سهم این بخش بسیار بیشتر از ارقام مذکور است.





مصطفی محمدی

عضو هیات علمی
موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی



الهام پیروز

عضو هیات علمی
موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

سایه بازارهای غیرمولد بر تولید

دستوری، بالا بودن هزینه‌های جانبی و عدم اطمینان به بازار سرمایه اشاره نمود. این در حالی است سرمایه‌های قابل توجهی که به دلیل عدم جذابیت اقتصادی تولیدات مولد، به سمت بازارهای غیرمولد سرازیر شده که موجبات تورم و افزایش نرخ ارز، سکه و زمین را ایجاد نموده است. به نحوی که تنها در سال ۱۴۰۱ نرخ ارز در بازار آزاد از ۲۷۳۳۲۷ ریال در فروردین به ۵۰۶۰۳۴ ریال با رشد ۸۵ درصدی در اسفند ۱۴۰۱ رسیده است یعنی هر ماه به طور متوسط ۵٫۸ درصد رشد داشته است. بازار سکه نیز در این سال ۱۴۰۱، از ۱۲۸۸۷۹ ریال در فروردین به ۲۹۵۴۹۲ ریال در اسفند با رشد ۱۲۹٫۳ درصدی رسیده است که به معنی رشد متوسط ماهانه ۷٫۵ درصدی است. نمودار ذیل نرخ رشد سکه و ارز در بازار آزاد را به صورت فصلی از سال ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. سود دهی بالای این بازارها در کنار عدم اطمینان به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در بخش تولید جذابیت بازارهای غیرمولد را دوجندان نموده و هدایت سرمایه‌ها به بخش تولید دشوارتر می‌شود.

در کشور سال‌هاست که به مقوله تولید و ارائه راهکارهای رفع موانع تولید در قالب انواع قوانین، آئین نامه‌ها، توصیه‌ها و .. با هدف رشد ارزش سرمایه‌گذاری و رونق و جهش تولید پرداخته شده است که نتیجه آن رشد کمتر از ۵٫۵ درصدی کل موجودی سرمایه خالص طی دوره ۱۴۰۱-۱۳۹۷ بوده است.

در همین راستا طی دهه گذشته سهم ارزش افزوده زیرگروه صنعت (ساخت) از کل تولید ناخالص داخلی تقریباً ثابت بوده است که نشان‌دهنده پدیده صنعتی زدایی (De-industrialization) و عدم جهش تولید صنعتی طی ده ساله گذشته است. همچنین بهره‌وری کل عوامل تولید علیرغم روند افزایشی در برخی سال‌ها، تغییرات چشمگیری نداشته است؛ این موضوع حاکی از عدم تغییرات قابل توجه بهره‌وری عوامل شامل سرمایه، نیروی کار و فناوری و آثار آن بر خروجی‌های بخش تولید صنعتی است و به لحاظ ساختاری صنعت کشور مبتنی بر مزیت‌های نسبی کشور شکل گرفته است؛ به نحوی که سهم بالای صنایع ساخت محور از ارزش افزوده صنعتی (حدود ۵۰ درصد)، صنایع ساخت محور (حدود ۳۰ درصد)، صنایع دانش محور (کمتر از ۱۰ درصد) است.

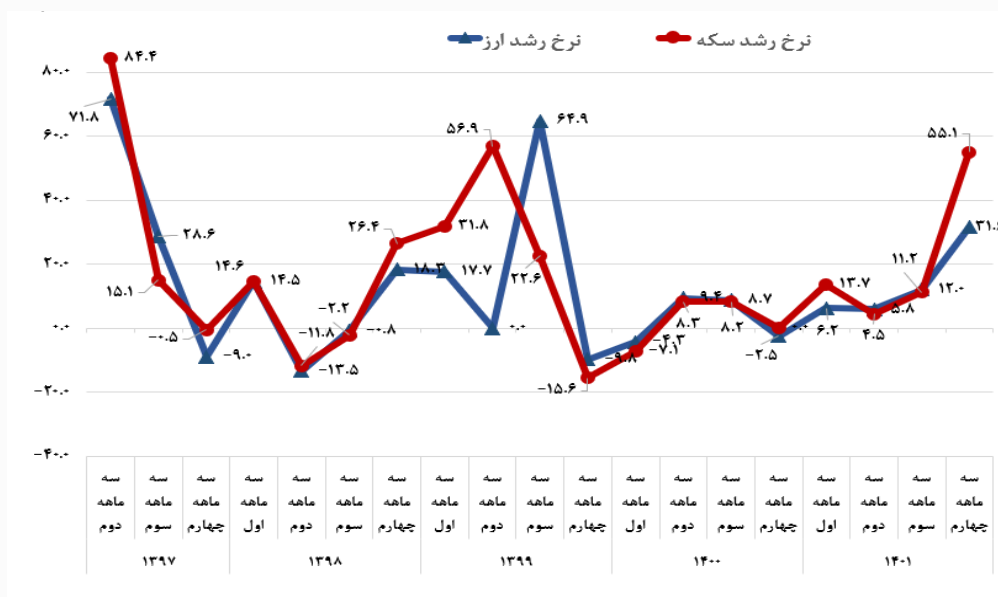
به طور متوسط طی دهه گذشته ۸۰ درصد تعداد بنگاه‌های کشور کوچک و متوسط (تا ۵۰ نفر کارکن) بوده و ۲۰ درصد مابقی نزدیک به ۹۰ درصد ارزش افزوده صنعتی را رقم می‌زنند. از دیگر ویژگی‌ها می‌توان به تمرکز پایین بنگاه‌های صنعتی در استان‌های محروم و خالی بودن متوسط ۳۰ درصدی ظرفیت‌های ایجاد شده اشاره کرد. همه این موارد درحالیست که کشور ایران با توجه تشدید تحریم‌ها و مشکلات آن از اوایل دهه ۹۰، نه فقط به رشد مستمر تولید نیازمند است بلکه نیازمند جهش تولید است.

در ادبیات سیاست‌گذاری اقتصادی و صنعتی، جهش اقتصادی فرایندی است که کشورهای در حال توسعه از تله درآمد متوسط گذر کرده و با شناسایی و تحریک پیشران‌های توسعه صنعتی، درآمد سرانه و قابلیت‌های فناوریانه خود را با کشورهای توسعه یافته کاهش می‌دهند. برای تحقق این امر، مجموعه‌ای از ابزارهای سیاستی هدفمند و هماهنگ در سطوح اقتصاد کلان، صنعت، تجارت و فناوری به کار گرفته می‌شود تا هدایت جریان سرمایه و نقدینگی به سمت پیشران‌های تولید (با ارزش افزوده بالا) تسهیل شود.

از عمده مشکلاتی که تولید و سرمایه‌گذاری در این سال‌ها با آن مواجه بوده است می‌توان به نرخ بالای سود تسهیلات، مشکلات تامین مواد اولیه، به‌روزرسانی تکنولوژی، تمرکز و هدف‌گذاری تولید برای بازارهای داخلی، مشکلات مرتبط با نیروی کار، قیمت‌گذاری

در
ادبیات سیاست‌گذاری
اقتصادی و صنعتی، جهش
اقتصادی فرایندی است که کشورهای
در حال توسعه از تله درآمد متوسط گذر کرده
و با شناسایی و تحریک پیشران‌های توسعه
صنعتی، درآمد سرانه و قابلیت‌های فناوریانه خود را با
کشورهای توسعه یافته کاهش می‌دهند. برای تحقق
این امر، مجموعه‌ای از ابزارهای سیاستی هدفمند و
هماهنگ در سطوح اقتصاد کلان، صنعت، تجارت و
فناوری به کار گرفته می‌شود تا هدایت جریان
سرمایه و نقدینگی به سمت پیشران‌های
تولید (با ارزش افزوده بالا) تسهیل
شود.

تغییرات نرخ ارز و سکه در بازار آزاد به صورت فصلی طی دوره ۱۳۹۷-۱۴۰۱



ماخذ: بانک مرکزی ایران

در همین راستا، شاخص‌های سهولت فضای کسب و کار، رقابت‌پذیری و آزادی اقتصادی نیز علاوه بر اینکه رتبه‌های بسیار پایینی را برای ایران نشان می‌دهد در مقایسه با کشورهای همجوار نیز وضعیت نگران‌کننده‌ای را نشان می‌دهد که می‌تواند سرمایه‌های کشور را به سمت این کشورها سوق دهد. به نحویکه در شاخص رقابت‌پذیری جهانی رتبه ایران برابر با ۹۹ از ۱۴۱ کشور بوده است درحالی که در این شاخص رتبه امارات متحده عربی (۲۵)، عربستان سعودی (۳۶) و ترکیه (۶۱) می‌باشد. در شاخص آزادی اقتصادی رتبه ۱۶۸ از ۱۷۸ کشور را ایران داشته در حالی که رتبه امارات متحده عربی (۲۴)، عربستان سعودی (۹۸) و ترکیه (۱۰۴) بوده است.

شاخص سهولت فضای کسب و کار نیز رتبه ایران ۱۲۷ از بین ۱۹۰ کشور بوده، که رتبه کشورهای همسایه در این شاخص به مراتب از ایران بالاتر بوده است به نحویکه در شاخص سهولت فضای کسب و کار امارات متحده عربی (۱۶)، ترکیه (۳۳) عربستان سعودی (۶۲) بوده است. در چنین شرایطی و فضای رقابتی موجود نه تنها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موفق نیستیم، خروج سرمایه‌های داخلی نیز به صورت روزافزون تشدید می‌شود و این مسئله خود را به شکل خرید ملک و ایجاد سایر کسب و کارها در کشورهای ترکیه، امارات متحده عربی نشان می‌دهد.

وضعیت شاخص‌های کسب و کار و اقتصادی در ایران و کشورهای منطقه

عنوان	سهولت فضای کسب و کار	رقابت‌پذیری جهانی	آزادی اقتصادی
امارات متحده عربی	۱۶	۲۵	۲۴
ترکیه	۳۳	۶۱	۱۰۴
عربستان سعودی	۶۲	۳۶	۹۸
ایران	۱۲۷	۹۹	۱۶۹

ماخذ: Doing business, world Economic forum, Economic freedom by country

در شرایط فعلی حاکم بر سیاست و اقتصاد کشور، هرچند توسعه زیرساخت‌های تولید و رفع موانع قانونی حائز اهمیت است لکن توجه به بخش امنیت سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای رقابتی و بستر سازی بخش رشد اقتصاد کلان پیش نیاز جهش تولید محسوب می‌گردد. علاوه بر مواد ذکر شده توصیه‌های ذیل نیز در جلب سرمایه‌گذاری بخش تولید می‌تواند راهگشا باشد.

- توجه به بازار سرمایه و بازگرداندن اعتماد عمومی به این بازار؛
- ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری با سودهای متعارف و بیمه سرمایه‌های اولیه؛
- دادن معافیت‌های مالیاتی (برای مدت محدود) برای شروع کسب و کارها؛
- تدقیق، روز رسانی و انتشار اسناد مرتبط با اولویت‌های سرمایه‌گذاری (به طور مثال اسناد آمایش سرزمین)
- توسعه تعاونی‌ها برای تامین مواد اولیه
- توسعه اشتغال و ارزش افزوده صنعتی، از طریق ارتقاء خوشه‌های کسب و کار





میثم فخاریان

پژوهشگر

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

الزامات جهش تولید در بخش صنایع منسوجات و پوشاک

صنعت منسوجات و پوشاک از جمله صناعی است که در مراحل آغازین توسعه صنعتی، از جمله صنایع کلیدی به شمار می‌رود. ضمن اینکه پتانسیل تولید پنبه (الیاف طبیعی) و سابقه تامین نیاز داخل و ظرفیت‌های کنونی صنعت پتروشیمی (الیاف مصنوعی)، انتظار جایگاه رقابت‌پذیر را برای محصولات این صنعت در هر دو بازار داخلی و خارجی رقم می‌زند. در ایران، این صنعت، اگرچه همواره مورد تاکید سیاست‌گذاران قرار داشته و از مزیت‌های مواد اولیه نیز برخوردار بوده است، اما با سهم‌گیری کاهنده از اقتصاد مواجه بوده است. ممکن است در نگاه اول چنین به نظر برسد که رشد سریع‌تر سایر صنایع عاملی در راستای کاهش سهم‌بری این رشته فعالیت صنعتی در اقتصاد ملی بوده است. اما با پرداختن به شاخص «توان خلق ارزش افزوده» که محاسبه نسبت «ارزش افزوده» به «ارزش ستانده» حاصل می‌شود، می‌توان به عملکرد نزولی این رشته فعالیت صنعتی پی برد.

با توجه به ظرفیت‌های بالای کشور در بخش مواد اولیه (کشاورزی و صنایع نفت و پتروشیمی)، محصولات واسط (نخ، پارچه، خرج کار، تکمیل و...)، ظرفیت بسیار بالای نیروی انسانی، منابع انرژی ارزان، بازار قابل توجه داخل (مصرف بالای داخلی) و همچنین با توجه به سرمایه‌گذاری مناسب صورت گرفته در بخش‌های تولید مواد اولیه (صنایع پتروشیمی) و محصولات میان (صنایع نساجی) صنعت پوشاک، می‌توان با اطمینان حلقه مفقوده زنجیره ارزش صنعت پوشاک را در تولید صنعتی (و نه تنها کارگاهی) و عرضه (توسعه بازار مدرن) این رشته صنعت عنوان نمود.

در بخش تولید پوشاک این صنعت، علی‌رغم دارا بودن مزیت‌های نسبی بسیار فراوان و متناسب با شرایط اقتصادی و جغرافیایی کشور، تاکنون هیچگونه حمایتی صورت نگرفته است. در بخش تولید بالغ بر ۹۲ درصد تولید کشور به شکل تولید کارگاهی و مشاغل خانگی صورت می‌پذیرد که نشان‌دهنده شکل‌گیری کامل حلقه تولید بنگاهی (خرد) در صنعت پوشاک می‌باشد. در همین راستا در مطالب زیر جهت بررسی بیشتر موضوع تولید، به مقایسه مفهوم عملکرد تولید و مصرف صنایع نساجی و پوشاک کشور پرداخته شده است.

تولید و مصرف صنایع نساجی و پوشاک

عملکرد تولید در زنجیره صنایع نساجی و پوشاک (غیر از انواع کفپوش و پتو) طی دوره متوسط سه سال ۱۴۰۰-۱۳۹۸ در انواع الیاف ۱۵۰ هزار تن، انواع نخ ۵۲۰ هزار تن، انواع پارچه ۴۸۷ هزار تن، انواع پوشاک ۳۹۰ هزار تن، و سایر منسوجات (صنعتی، تکنیکال، کالای خواب و خانگی غیر از انواع کفپوش) ۱۹۵ هزار تن می‌باشد. در جدول ۱ جزئیات تفصیلی عملکرد تولید در این صنعت ارائه شده است.



جدول ۱. وضعیت تولید و مصرف صنایع نساجی و پوشاک در سال های ۱۳۹۸-۱۴۰۰

گروه فعالیت	واحد سنجش	تولید	نیاز فعلی (مصرف)	نیاز برنامه در سال ۱۴۰۴	درصد وابستگی
پوشاک	هزارتن	۲۹۰	۴۵۰	۴۹۰	۱۳
سایر منسوجات نهایی	هزارتن	۱۹۵	۲۰۰	۲۱۰	۲,۵
پارچه	هزارتن	۴۸۷	۶۷۸	۷۹۵	۲۸
نخ	هزارتن	۴۸۱	۷۱۲	۷۵۵	۳۲
الیاف	هزارتن	۲۰۰	۴۵۰	۴۶۰	۶۷

* مآخذ: وزارت صنعت، معدن و تجارت (۱۴۰۱)، دفتر صنایع منسوجات و پوشاک.

طبق جدول، بسیاری از حلقه های تولید دخیل در زنجیره نساجی و پوشاک، ضریب وابستگی غیر صفر بوده و از حلقه ای به حلقه دیگر متغیر است. این به معنای ناترازی در زنجیره تامین و تولید صنایع نساجی و پوشاک می باشد. بخشی از این ناترازی مربوط به عدم سرمایه گذاری در مقیاس صنعتی، عدم بازسازی و نوسازی و تفاوت ظرفیت سازی های صورت گرفته است که توازن آن می بایستی در برنامه های عملیاتی لحاظ گردد.

با توجه به نیاز بازار در زنجیره تولیدات نساجی و پوشاک و با نگاه استراتژیک به توسعه صنعت پوشاک به عنوان صنعت اشتغال زا با کمترین هزینه سرمایه گذاری و قدرت ارزآوری بالا در بخش های مختلف پیش از تولید (تحقیق و توسعه، طراحی و مد، برند و ...)، تولید انواع پوشاک (علی الخصوص البسه تار پودی) و پس از تولید (بازاریابی، توزیع و فروش و خدمات پس از فروش)، تولید انواع پارچه های تار پودی، انواع نخ سیستم پنبه ای و الیاف مصنوعی (علی الخصوص نخ های ظریف)، نخ اسپندکس، الیاف پنبه و ویسکوز بیشترین وابستگی وجود دارد و نیاز به توسعه، سرمایه گذاری های جدید و جهش در تولید ضروری می نماید.

پیشنهادهای اجرایی جهت توانمندسازی عملکرد تولید منسوجات و پوشاک کشور به شرح ذیل بیان می شود:

- ایجاد پنجره واحد طراحی و تولید پوشاک با مشارکت وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن ها و اتحادیه های تولید و صادرات پوشاک
- تقویت و توسعه ظرفیت های تولیدی واحدهای صنعتی و صنعتی پوشاک
- تشویق ادغام های عمودی میان تولیدکنندگان محصولات نساجی و پوشاک و در اولویت قراردادن این بنگاه ها جهت دریافت حمایت های دولتی
- حمایت از ایجاد شهرک های صنعتی پوشاک
- حمایت از ارتقای ظرفیت های فناوری و تولیدی بنگاه ها در طول زنجیره ارزش از طریق ایجاد و راه اندازی شبکه های نوآوری محلی و شبکه های خلق دانش
- بازمهندسی فرایندها و رویه های فضای کسب و کار به منظور تسریع در تامین مواد اولیه جهت تولید
- حمایت از راه اندازی و تقویت مراکز تحقیق و توسعه در راستای تقویت توان طراحی و تولید
- ساماندهی و شبکه سازی گارگاه های خانگی، جز و کوچک با تولیدکنندگان بزرگ و برندهای معتبر فعال در زنجیره ارزش
- حمایت از ادغام و هم افزایی واحدهای صنعتی کوچک مقیاس جهت رسیدن به مقیاس اقتصادی تولید و افزایش توان مالی





رضا احمدی
پژوهشگر
موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

ضمانت نامه دولتی؛ شمشیری دولبه برای جهش تولید

ضمانت نامه‌های دولتی، که در آن دولت قول می‌دهد در صورت نکول وام‌گیرنده به تعهدات خود عمل کند، می‌تواند ابزاری برای تحریک جهش تولید باشد. با این حال، استفاده از آن‌ها به دلیل اشکالات احتمالی نیاز به بررسی دقیق دارد.

هم برای سرمایه‌گذاران داخلی و هم سرمایه‌گذاران خارجی فراهم آورد. افزایش دسترسی به سرمایه می‌تواند توسعه، ارتقای فناوری و بهبود زیرساخت‌ها را تأمین مالی کند و در نهایت ظرفیت تولید را افزایش دهد. این ضمانت‌ها همچنین می‌تواند کشور را برای شرکت‌های خارجی که به دنبال سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولیدی هستند، محیط مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری کند. در کنار این موضوع، ضمانت‌نامه‌های دولتی می‌تواند برای تشویق شرکت‌های خصوصی به مشارکت در پروژه‌های زیربنایی حیاتی، مانند نیروگاه‌ها یا شبکه‌های حمل‌ونقل مورد استفاده قرار گیرد. این ضمانت‌نامه‌ها ریسک شرکای خصوصی را کاهش می‌دهد و این‌گونه همکاری‌ها را جذاب‌تر می‌سازد.

با وجود این مزایا، بکارگیری ابزار مذکور می‌تواند معایبی را نیز به همراه خود داشته باشد. به عنوان مثال، ضمانت‌نامه‌های دولتی می‌توانند بروز برخی رفتارهای غیراخلاقی را تحریک کند؛ جایی که وام‌گیرندگان با علم به اینکه دولت می‌تواند آن‌ها را نجات دهد، رفتارهای پرخطرتری انجام می‌دهند. این می‌تواند به شیوه‌های تولید ناکارآمد و سوء مدیریت منابع مالی منجر شود. در کنار این موضوع، اگر وام‌گیرنده نکول کند، دولت که ضمانت‌نامه را تضمین می‌کند مسئول بدهی معوق می‌شود. این امر می‌تواند منابع مالی عمومی را تحت فشار قرار دهد و منابع موجود برای سایر سرمایه‌گذاری‌ها یا برنامه‌های اجتماعی را محدود کند. این موضوع می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های استقرار برای خود دولت شود و از سرمایه‌گذاری خارجی در آینده جلوگیری کند.

در مجموع می‌توان گفت ضمانت‌نامه‌های دولتی می‌تواند ابزاری برای تحریک جهش تولید باشد، اما استفاده از آن‌ها باید استراتژیک و همراه با اقداماتی برای کاهش خطرات احتمالی باشد. از این رو، تمرکز بر تقویت محیط کسب و کار، توسعه سرمایه انسانی و ارتقای نوآوری، راه‌حل‌های بلندمدت و پایدارتری برای افزایش ظرفیت تولید ارائه می‌دهد.

دهه هشتاد شاهد افزایش مداوم در تشکیل سرمایه ثابت خالص بود. با این حال، این روند مثبت در سال دوم دهه ۹۰ (۱۳۹۱) کاهش شدیدی را تجربه کرد. این سیر نزولی در سال‌های بعد نیز ادامه یافت و در سال ۱۳۹۷ به کمترین مقدار مثبت خود رسید. موضوع نگران‌کننده‌تر رشد منفی تجربه شده در سه سال بعد (۱۳۹۸-۱۴۰۰) است. این کاهش نشان می‌دهد که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (سرمایه‌گذاری در سرمایه جدید) با روند استهلاک (کاهش ارزش سرمایه موجود به دلیل فرسودگی) همگام نبوده است. در نتیجه، موجودی سرمایه، موتور حیاتی رشد اقتصادی، نه تنها متوقف شده است، بلکه به طور فعال مانع از رشد بلندمدت اقتصادی شده است. بی‌تردید تضمین بازگشت سرمایه و اطمینان از امنیت اصل و سود سرمایه‌گذاری یکی از عوامل مؤثر بر تمایل به سرمایه‌گذاری و یا توسعه سرمایه‌گذاری می‌باشد. در این راستا، یکی از ابزارهایی که می‌تواند روند توسعه سرمایه‌گذاری در کشور را بهبود بخشد، استفاده از ضمانت‌نامه‌های دولتی است. ضمانت‌نامه‌های دولتی، که در آن دولت تعهد می‌دهد در صورت نکول وام‌گیرنده به تعهدات خود عمل کند، از این طریق می‌تواند بستری را برای تحریک جهش تولید فراهم سازد. با وجود چشم انداز مثبت از بکارگیری ضمانت‌نامه‌های دولتی در مسیر رشد سرمایه‌گذاری و به تبع رشد تولید، چالش‌هایی را نیز می‌تواند به همراه داشته باشد که برای غلبه بر این چالش‌ها و یا اشکالات احتمالی نیازمند بررسی دقیق ابعاد گوناگون این موضوع می‌باشد.

از مهم‌ترین مزایای بالقوه‌ای که می‌توان برای ضمانت‌نامه‌های دولتی تصور نمود «کاهش ریسک برای وام دهندگان» می‌باشد. توضیح آنکه ضمانت‌نامه‌های دولتی به وام‌دهندگان (بانک‌ها و سرمایه‌گذاران) انگیزه می‌دهد تا با کاهش ریسک نکول وام گیرنده، برای پروژه‌های تولیدی وام ارائه دهند. از سوی دیگر، ورود دولت به حوزه ضمانت سرمایه می‌تواند تصویر و چشم انداز مثبتی از امنیت سرمایه‌گذاری را





رضا احمدی

پژوهشگر

موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

باورهای نادرست درباره مشارکت مردم در جهش تولید

فامیلی بدون مزد؛ توسعه حقوق بگیرانی که از نظر قانونی یا در عمل زیر پوشش قوانین کار و مزایای تأمین اجتماعی و استخدامی (از قبیل مالیات بر درآمد، تأمین اجتماعی، مزایای استخدامی، مرخصی استحقاقی و مرخصی استعلاجی با مزد) نیستند. به بیان دیگر، اشتغال غیررسمی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که توسط دولت تنظیم نمی‌شود و اغلب تحت پوشش ترتیبات رسمی شغلی مانند قراردادها، قوانین کار، مزایای رفاهی و تأمین اجتماعی قرار نمی‌گیرد. نمونه‌هایی از اشتغال غیررسمی (در صورت عدم انعقاد قرارداد کاری رسمی) عبارت است از: فعالیت در کارگاه‌های کوچک ثبت نشده؛ فریلنسری/پیمانکاران مستقل؛ کارگران روزمزد؛ رانندگان نرم‌افزارهای حمل‌ونقل آنلاین.

پیامدهای حرکت به سمت باورهای نادرست درباره مشارکت مردم در اقتصاد:

براساس این مؤلفه‌ها، می‌توان پیامدهای زیر را در صورت حرکت به سمت این دو باور نادرست متصور بود:

- **بهره‌وری پایین نیروی انسانی:** کارگران غیررسمی اغلب به اندازه کارگران رسمی از آموزش شغلی و توسعه مهارت برخوردار نیستند. کسب و کارهای غیررسمی اغلب به منابعی مانند آموزش، فناوری و صرفه در مقیاس دسترسی ندارند. این موضوع می‌تواند منجر به بهره‌وری پایین‌تر نیروی انسانی در مقایسه با مشاغل رسمی و در نتیجه مانع از جهش تولید شود.
- **فرار مالیاتی:** مشاغل غیررسمی معمولاً خارج از مقررات مالیاتی فعالیت می‌کنند (زیرا کارگران و کارفرمایان بخش غیررسمی معمولاً مالیات بر درآمد یا سهم تأمین اجتماعی را پرداخت نمی‌کنند) و درآمد دولت را کاهش می‌دهند. این امر منابع موجود برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولید را که می‌تواند توسعه اقتصادی را سرعت بخشد، محدود می‌کند.
- **دلسردی سرمایه‌گذاران:** رواج بخش غیررسمی اقتصاد می‌تواند سرمایه‌گذاران رسمی را از توسعه فعالیت‌های اقتصادی منصرف سازد. به بیان دیگر، سرمایه‌گذاران ممکن است از ورود به بازارهایی که بخش قابل توجهی از آن در اختیار بخش غیررسمی (اصطلاحاً بخش زیرپله‌ای) قرار دارد اجتناب کنند.

انتخاب شعار «جهش تولید با مشارکت مردم» فرصت ارزشمندی برای رشد اقتصادی فراهم کرده است. با این حال، برای اطمینان از اینکه این شعار به‌طور کامل محقق می‌شود، بررسی باورهای نادرست موجود پیرامون نحوه مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی بسیار مهم است.

این باورهای نادرست به عنوان موانعی عمل می‌کنند که مانع از پیوستن صحیح افراد به فعالیت‌های اقتصادی و کمک به رشد اقتصادی می‌شوند. به عبارت دیگر، باورهای نادرست می‌تواند منجر به سیاست‌های نادرست شود. اگر سیاست‌ها مبتنی بر فرضیات نادرست در مورد نحوه مشارکت اقتصادی افراد در فعالیت‌های اقتصادی باشند، ممکن است منابع به سمت ابتکارانی با اثربخشی محدود هدایت شوند. از سوی دیگر، اگر افراد در مورد فعالیت‌های اقتصادی باورهای محدودکننده‌ای داشته باشند، ممکن است فرصت‌های کارآفرینی، توسعه مهارت‌ها و یا جستجوی شغل بهتر را کشف نکنند. این موضوع مانع از جهش کلان اقتصادی می‌شود. از این رو، پرداختن به باورهای غلط، می‌تواند این اطمینان را حاصل کند که «مشارکت صحیح مردم» تحقق جهش تولید را ممکن می‌سازد.

دو تصور غلط و رایج پیرامون مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی:

- یکی از باورهای نادرست، توسعه بخش غیررسمی اقتصاد است. بخش غیررسمی اقتصاد در سطح کوچک فعالیت می‌کنند (اندازه بنگاه از نظر تعداد شاغلان کمتر از سطح استاندارد تعیین شده در سیاست‌های توسعه صنعتی است) و معمولاً به منظور ایجاد اشتغال و درآمد برای یک خانوار می‌باشند؛ از این رو، غالباً در چارچوب قوانین تشکیل نشده‌اند و یا جواز کسب و کار دریافت نکرده‌اند. برخی از فعالیت‌هایی که در صورت عدم ثبت رسمی کسب‌وکار می‌تواند به عنوان بخش غیررسمی اقتصاد تعریف شود، عبارت است از: دستفروشی در خیابان؛ مشاغل خانگی؛ کارگر کشاورزی؛ فعالیت در پروژه‌های ساختمانی؛ ارائه برخی خدمات در منازل (مددکاران خانگی)؛ کارآفرینان بخش غیررسمی؛ و جمع‌آوری زباله.
- یکی دیگر از باورهای نادرست، توسعه اشتغال غیررسمی است. مهم‌ترین نموده‌های اشتغال غیررسمی عبارت است از: مستقل بودن افراد (عمدتاً فعالیت‌های تک نفره)؛ کارکنان بخش‌های غیررسمی؛ تمامی کارکنان



البته می باید به این نکته توجه داشت که بخش غیررسمی اقتصاد و اشتغال غیررسمی ذاتاً منفی نیستند. آن‌ها می توانند فرصت‌های درآمدی و انعطاف‌پذیری شغلی را برای بسیاری از افراد فراهم کنند. با این حال، حضور گسترده این فعالیت‌ها اگر به صورت استراتژیک مورد توجه قرار نگیرد، می تواند مانع رشد بلندمدت اقتصادی شود. از سوی دیگر، در حالی که بخش غیررسمی اقتصاد دارای این معایب بالقوه‌ای است، همچنین به عنوان منبع درآمدی حیاتی برای بسیاری از مردم، به ویژه در اقتصادهای در حال توسعه که مشاغل رسمی کمیاب هستند، عمل می کند. به عنوان مثال، بخش غیررسمی اقتصاد حدود ۵۰ درصد از اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده است. بنابراین، تلاش‌ها برای کاهش بخش غیررسمی اقتصاد باید بر ایجاد فرصت‌های شغلی رسمی، بهبود آموزش و توسعه مهارت‌ها و فراهم کردن مسیرهایی برای کارگران و مشاغل غیررسمی برای گذار به اقتصاد رسمی متمرکز شود. این می تواند به کاهش اثرات منفی و در عین حال حفظ معیشت افرادی که به مشاغل غیررسمی وابسته هستند کمک کند.

- **نوآوری پایین:** کسب‌وکارهای غیررسمی به دلیل تمرکز بر بقا و سودآوری کوتاه‌مدت، کمتر در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری می کنند. این امر نوآوری را توسعه نمی دهد و مانع از رشد اقتصادی بلندمدت می شود.
- **افزایش آسیب‌پذیری شغلی فعالان اقتصادی:** شاغلان غیررسمی اغلب فاقد حمایت‌ها و مزایای مرتبط با اشتغال رسمی، مانند مزایای تأمین اجتماعی، بیمه درمانی و امنیت شغلی هستند. این موضوع باعث ایجاد نیروی کار آسیب‌پذیرتر می شود و می تواند نابرابری درآمد را تشدید کند.
- **دسترسی محدود به اعتبارات بانکی:** کسب‌وکارهای غیررسمی اغلب در دسترسی به اعتبار و خدمات مالی مشکل دارند؛ این موضوع می تواند مانع از توانایی آن‌ها برای سرمایه‌گذاری، رشد و کمک بیشتر به اقتصاد شود.
- **ایجاد اختلال در داده‌های کلان اقتصادی:** سطوح بالای اشتغال غیررسمی و بنگاه‌های غیررسمی می تواند داده‌های اقتصادی را مخدوش کند و به دلیل فقدان اطلاعات قابل اعتماد در مورد اشتغال، بهره‌وری و درآمد، تدوین سیاست‌های اقتصادی موثر را برای سیاست‌گذاران دشوار می سازد.

البته می باید به این نکته توجه داشت که بخش غیررسمی اقتصاد و اشتغال غیررسمی ذاتاً منفی نیستند. آن‌ها می توانند فرصت‌های درآمدی و انعطاف‌پذیری شغلی را برای بسیاری از افراد فراهم کنند. با این حال، حضور گسترده این فعالیت‌ها اگر به صورت استراتژیک مورد توجه قرار نگیرد، می تواند مانع رشد بلندمدت اقتصادی شود.

